

دلیلی آن همت و حسن نیت را نداشته باشند، هیچ سند و تعهد حتی با بهترین زبان حقوقی نیز نمی تواند موثر باشد. در نتیجه در این گونه از موارد مسلم این است که تیم مذاکره کننده چه طرف ایرانی چه طرف های دیگر، همه بر اساس یک چارچوب مشخص که توسط مسئولین و نهادهای عالیه کشور هایشان تعیین شده پیش می روند به دیگر سخن هر تیم مذاکره کننده خواه ایران باشد خواه ۶ کشور دیگر و اتحادیه اروپا که در ظاهر طرف مقابل ایران می باشند، هر کدام بر نامه و خواسته های خاص خود را در یک برنامه مشخص که دارای یک کف و یک سقف خواسته مشخص است دارند، لذا این هنر تیم های مذاکره کننده است که بتواند با در نظر داشتن شرایط، منافع حداکثری را در مذاکرات به دست بیاورد. در خصوص کلمات نیز با در نظر داشتن اهداف کشور ها این طبیعی است که هر تیمی سعی دارد با گنجاندن کلماتی که بار حقوقی خاصی دارند، متون نهایی را به نحوی در راستای خواسته های خود تنظیم نماید. لذا در اینجا ذکر این مطلب بسیار ضروری است که در مذاکرات بین المللی و اسناد حقوقی داشتن زبان مشترک و دانستن بار کلمات بسیار مهم است، ولی از آن مهتمتر علم و تجربه در خصوص سوابق و معانی کلمات است که باید مورد توجه قرار گیرد.

دقیقاً منظور از سوابق و معانی کلمات چیست؟

در مذاکرات بین المللی ما با دو نوع ادبیات مواجه هستیم. یک ادبیات سیاسی و دیپلماتی که معمولاً سیاستمداران آن را نمایندگی می کنند و دیگری زبان و ادبیات صرف حقوقی که تلفیقی از دیپلماسی و هنر حقوقی است. در مورد اول رفتار و گفتار و حتی نحوه پوشش افراد بسیار مهم است ولی وقتی که به قسمت اصلی و یا به دیگر سخن به ادبیات حقوقی می رسم در اینجا معمولاً دیپلماتها و سیاستمداران سعی می کنند که از تجربه و توان تیم های حقوقی استفاده نمایند. زیرا در این مرحله دانستن معانی و یا سابقه کلمات تنها در فرهنگ لغات خلاصه نمی شود بلکه این هنر تیم های حقوقی است که با اشراف به موضوعات نه تنها کلمات بلکه تلفیق و چیدمان کلمات را از لایه های هزاران موضوع و پرونده مطرح در عرصه بین المللی استخراج و تحلیل کنند و سپس آن را عملیاتی کنند. بنا بر این صرف اینکه یک فرد آشنایی کامل به زبان انگلیسی و یا هنر دیپلماسی دارد لزوماً به معنی اینکه بتواند یک سند حقوقی را خوب تنظیم کند نیست. زیرا در زمان تفسیر کلمات و جملات مراجع و تصمیم گیران به سوابق و رویه های حقوقی بین المللی نگاه می کنند تا صرف اینکه به یک فرهنگ لغات.

با توجه به این مسئله و این که هم اکنون ایران و ۱۵۰ مذاکرات برای توافق جامع را شروع کرده اند به نظر شما به عنوان یک حقوقدان باید چه ملاحظات حقوقی را مسئولان در این توافق نهایی مد نظر قرار دهند؟

نقد مذاکرات و اسناد حقوقی خصوصاً اسناد تخصصی بسیار خوب است ولی باید همیشه در اظهار نظر احتیاط کرد. زیرا صرف اینکه یک نفر آشنایی به زبان انگلیسی دارد نمی تواند با ترجمه متن و مقایسه چند سند مشابه در خصوص محتوا و آثار حقوقی آن اظهار نظر کند. این حتی در خصوص تیم های دیپلماتیک هم مصداق دارد، و آن ها نیز باید این واقعیت را بپذیرند که مذاکره و تنظیم اسناد حقوقی می تواند دو موضوعی باشد که نیازمند همکاری تیم های حقوقی و سیاسی با هم است. بر همین اساس است که بنده در اظهار نظر در خصوص روابط کشور ها و هم چنین اسناد همیشه با احتیاط برخورد می کنم. ولی به عنوان یک شهروند ایرانی می توانم بگویم که به عقیده بنده تیم مذاکره کننده تاکنون حرفه ای عمل کرده ولی در عین حال باید بسیار مراقب موضوعات حقوقی باشند. یکی از مشکلات و پاشنه آشیل بعضی از تیم های دیپلماسی کشور هایی که در گیر مذاکرات اعم از مذاکرات اقتصادی، سیاسی و دیگر موضوعات بین المللی هستند این است که گاه دیپلماتها خود را حقوقدان هم می دانند در صورتی که علیرغم نزدیکی موضوعات مطرح در عرصه بین المللی، باید توجه داشت که دیپلماسی زمانی می تواند موثر باشد که از پتانسیل حقوقدانان با تجربه در عرصه بین المللی نیز بتواند استفاده نماید.

سال از سال ۱۹۷۳ تا سال ۱۹۸۲ طول کشید اشاره کرد در آن مذاکرات طرفین در اسناد بسیاری این عبارت را قید کرده اند زیرا موضوع حقوق دریاها و توافق کشور ها دارای پیچیدگی های بسیار بود که به سختی پیش می رفت بنابراین طرفین مذاکره با ذکر این عبارت سعی داشتند گام به گام پیش بروند. تا اینکه در نهایت بعد از قریب به ۹ سال به یک توافق جامع در سال ۱۹۸۲ رسیدند.

یکی از موضوعاتی که مطرح می شود، مسئله رابطه و تأثیرات قطعنامه های شورای امنیت در روند مذاکرات خصوصاً بر نامه عمل مشترک است. در این خصوص آیا می توان گفت که طرفین مذاکره در مواردی که قصد ایجاد فشار و یا امتیاز گیری داشته باشند مجدداً به محتوای قطعنامه ها استناد کنند؟

اگر عنصر حسن نیت را کم رنگ کنیم و خواسته باشیم مقررات را اجرا کنیم، طرفین می توانند در هر لحظه موضوع جدیدی را مطرح کنند. در خصوص رابطه قطعنامه ها و توافق اخیر بعضی از منتقدین به این قسمت اشاره می کنند که در این سند طرفین صراحتاً قید کرده اند که باید موضوعات قید شده در قطعنامه ها هم مد نظر قرار گیرد (Addressing the UN Security Council resolutions). در یک تفسیر مضیق، می توان گفت که با توجه به وجود تعداد زیادی قطعنامه های شورای امنیت علیه ایران در خصوص موضوعات مورد مناقشه ایران و غرب، طرفین یک نیم نگاهی هم به محتوای قطعنامه ها دارند و باید محتوای آن ها در مذاکرات مد نظر قرار گیرد. ولی با کمی دقت می توان یک نتیجه دیگری هم گرفت و آن اینکه در ادامه همان متن قید شده که (Bringing to a satisfactory conclusion) یعنی در نظر داشتن قطعنامه ها به قصد نیل به یک نتیجه مورد قبول طرفین است. این قسمت به نظر توانسته تا حدود زیادی آن آثار ذاتی قطعنامه ها را محدود کند. زیرا قطعنامه های شورای امنیت لازم الاجرا هستند و هیچ کشوری هم نمی تواند تفسیر به رای داشته باشد و خواسته باشد طبق میل و رضایت خودش آن را اجرایی نماید. ولی با داشتن حسن نیت طرفین، این جمله تکمیلی در توافق نامه می تواند یک بستری باشد برای کم رنگ تر کردن آثار و تبعات قطعنامه های شورای امنیت و قصد طرفین برای حل موضوع به نحوی که بتوان ضمن حفظ اعتبار شورای امنیت، یک راه حل میانه ای نیز برای کنار نهادن آن قطعنامه ها یافت. نتیجه اینکه مذاکرات پیش رو مانند راه رفتن در یک میدان مین است، لذا داشتن تدبیر، آرامش، تیزبینی و حسن نیت شرط عبور از بحران است.

یک بحثی که در حقوق بین الملل و معاهدات وجود دارد موضوع عبارت ها و واژه هایی است که می تواند معانی متفاوتی داشته باشد از این حیث شما بر نامه اقدام مشترک را چگونه می بینید آیا مواردی از این موضوع در این توافق به چشم می خورد؟

همانگونه که قبلاً ذکر شد، بر نامه اقدام مشترک یک موضوع تازه ای نیست و مثال های بسیاری در تاریخ روابط بین الملل وجود دارد. لذا اگر طرفین حسن نیت در اجرای آن داشته باشند، این بر نامه می تواند موفق باشد ولی اگر طرفین به هر

نقد مذاکرات و اسناد حقوقی خصوصاً اسناد تخصصی بسیار خوب است ولی باید همیشه در اظهار نظر احتیاط کرد. زیرا صرف اینکه یک نفر آشنایی به زبان انگلیسی دارد نمی تواند با ترجمه متن و مقایسه چند سند مشابه در خصوص محتوا و آثار حقوقی آن اظهار نظر کند. این حتی در خصوص تیم های دیپلماتیک هم مصداق دارد

آنجایی که این سند مقدماتی است این کاملاً روشن است که هر کدام از طرفین در عمل می تواند به تشخیص خود از انجام تعهدات آن طرفه برود. این را نمی توان گفت و تو، بلکه یک عمل یک طرفه ای است که یک کشور می تواند انجام دهد البته بدیهی است که آثار و تبعات بین المللی آن هم بسیار است لذا این بسیار دور از ذهن است که یک کشوری بخواهد بدون دلیل در اجرای توافق سنگ اندازی کند، البته اگر حسن نیت نباشد هر چیزی امکان پذیر است. علاوه بر این به نظر بنده به بیانیه های مطبوعاتی و یا سخنان عمومی بعضی از افراد در جمع های خاص و یا در کشور های خاص را نباید خیلی بها داده شود بعضی اوقات افراد حرف هایی می زنند که بیشتر مصرف محلی و یا گروهی دارد.

در بخشی از توافق مشترک با به عبارتی در پاراگراف پایانی آن قید شده که «تا در مورد همه چیز توافق نشود درباره هیچ چیز توافق نشده است» به چه معناست و آیا این رویه در حقوق بین الملل وجود دارد؟

در مذاکرات بین المللی موضوع Nothing is agreed until everything is agreed بسیار معمول است و این یک عنوان حقوقی است که طرفین مذاکره معمولاً در توافقات مقدماتی آن را به کار می برند. در حقیقت زمانی که طرفین مذاکره در گیر موضوعات مختلفی هستند و روند مذاکرات هم طولانی است، آن ها سعی می کنند تا حداقل توافقات را به نحوی اجرایی نمایند با قید این شرط که تا در مورد همه چیز توافق نشود درباره هیچ چیز توافق نشده است. در این وضعیت طرفین یک توافقات مقدماتی به انجام می رسانند ولی به معنی حل موضوعات نیست به دیگر سخن به مثابه یک زنجیره موضوعات است که اگر طرفین در جایی توقف کردند و قسمتی را به انجام نرسانند، به معنی این است که محتوای توافق دیگر موضوعیت ندارد و به زبان ساده دوباره طرفین در خانه اول هستند. اگر خواسته باشیم یک سابقه کلی در این خصوص ذکر کنیم می توان به مذاکرات کنفرانس حقوق دریاها که به مدت ۹

